



بهانه‌ای برای

افزایش قیمت مواد اولیه

مهندس میر محمد تقی دانایی - مدیرعامل شرکت نساجی حجاب شهرکرد

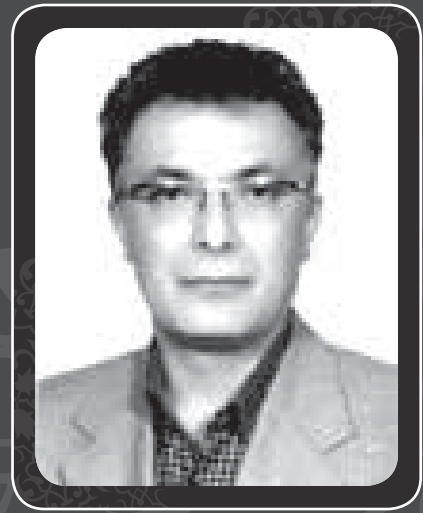
- ❖ هم‌زمانی افزایش شدید نرخ ارز و نوسانات مداوم آن با اعمال تحریم‌های بانکی، عرصه را بر تولیدکنندگان تنگ‌تر نموده است.
- ❖ افزایش نرخ ارز، بهانه‌ای شد برای افزایش فراوان نرخ محصولات که مستقل از واردات و در نتیجه ارزبری بودند.
- ❖ متأسفانه معنی حمایت با اعانه اشتباه می‌شود.

پرحجم محصولات ارزان و بی‌کیفیت و تعرفه‌های غیر حمایتی واردات بی‌حد و اندازه محصولات نهایی (و مدیران و صاحبان این صنعت، بارها با این‌گونه موارد مواجه بوده‌اند و به یقین همچون همیشه راه کارهای مناسبی را طراحی و عملیاتی خواهند نمود تا این بزرگترین صنعت کشور بعد از صنعت نفت، همچون همیشه قسمت عمده‌ای از اشتغال کشور را سرپرستی و هدایت نماید.

روش‌های تأمین مواد اولیه خارجی تولید یا مبتنی بر واردات مستقیم توسط تولید کننده است و یا متکی بر خرید مواد اولیه از بازار داخلی می‌باشد که اثر نرخ ارز در هر دو شیوه تأمین، انکارناشدنی است. هنگامی که وارد کننده مواد اولیه خود تولید کننده باشد، سپردن مبالغ سنگین وجه نقد (که از میزان واقعی نرخ کالا بین ۲۰ تا ۳۰ درصد بالاتر است) و صرف زمان انتظار برای رسیدن (و تغییر قیمت در این فاصله زمانی به لحاظ تغییر مداوم نرخ ارز) و انتظار برای ترخیص و پرداختن مبالغ سنگین تری در این فرآیند (به لحاظ افزایش نرخ کالا ناشی از افزایش نرخ ارز و به همان نسبت افزایش هزینه‌های گمرکی و امثالهم) و مواردی از این دست، موجب بلوکه شدن

بسیار لازم است که قبل از آغاز بحث به این نکته روشن اشاره داشته باشیم که صنعت عظیم نساجی کشور، علی‌رغم تمامی کم‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌هایی که تاکنون متحمل شده است و نیز علیرغم تمامی اقدامات خصومت‌آمیزی که در رابطه با این صنعت از سوی مبادی مختلف اعمال شده است، با تکیه بر دانش و کارآمدی و پایداری صاحبان صنایع نساجی و مدیران و عاملان با تجربه و دلسوزش، تاکنون پابرجا مانده و برخلاف سیاه‌نمایی‌هایی که متأسفانه از سوی دوست و دشمن در رابطه با این صنعت به چشم می‌خورد، در حال بقا و بعضاً رشد می‌باشد که نمونه‌های بارز آن طرح‌های توسعه‌ای و ایجاد در این صنعت در تمامی بخش‌ها است.

بحران ناشی از افزایش نرخ ارز و نوسانات فراوان آن، نه اینکه بر این صنعت اثر نداشته باشد، که از زمره بحران‌هایی است که مدیران و صاحبان صنایع نساجی سال‌هاست که با انواع آن دست و پنجه نرم می‌کنند و شاید که برای بسیاری از صنایع غیرقابل تصور بوده و در تنگنا قرار گرفته باشند، ولی برای صنعت نساجی کشور، بحرانی است مانند سایر بحران‌ها و مانعی است به مانند سایر موانع قبلی (مانند قاچاق



مهندس دانایی اعتقاد دارد: هم‌زمانی افزایش شدید نرخ ارز و نوسانات مداوم آن با اعمال تحریم‌های بانکی، عرصه را بر تولیدکنندگان تنگ‌تر نموده است که ساده‌ترین مصداق آن اخذ کارمزدهای بیشتری است که در نقل و انتقال ارز برای واردات از سوی بانک‌های عامل و واسطه‌(در حالت انتقال ارزی بانکی) و صرافان (در روش انتقال ارزی غیر بانکی) لحاظ می‌گردد. به گفته این فعال نساجی، هزینه‌های اضافی موجب می‌گردد که وارد کردن مواد اولیه گرانتر و در مقایسه، قاچاق محصول ارزانتر باشد. اثر دیگر افزایش نرخ ارز و در نتیجه افزایش بهای تمام شده، کاهش کیفیت محصولات است و تولید محصولات مشابه با قیمت ارزانتر به جهت اخذ و یا حفظ سهمی از بازار، جلوه بیشتری پیدا می‌کند تا به اصطلاح تولیدکنندگان کشور چین "برای هر جیبی محصولی وجود داشته باشد!"





بالارفتن قیمت مواد اولیه و ملزومات (ناشی از افزایش نرخ ارز) مستقیماً به افزایش بهای تمام شده منجر می‌گردد که این افزایش در ابتدای دوره افزایش نرخ ارز، به افزایش قیمت فروش منتهی نمی‌گردد چرا که مقادیر قابل توجه و انکایی از موجودی وارداتی محصولات رقیب، وارد شده با نرخ ارز قبلی، هنوز در انبارها موجود است.

انجام می‌شود ولی تقریباً همگی وارداتی می‌باشند. بسیاری از نخ‌های مصرفی یا اساساً خارجی بوده و یا ریشه خارجی داشته و در داخل کشور فرآیندهایی روی آنها انجام می‌شوند و در نهایت مستقیماً متاثر از نرخ ارز می‌باشند و طبعاً مشکلات تأمین مواد اولیه با نرخ مناسب و ثابت گریبانگیر این شرکت نیز بوده است (به‌عنوان مثال نرخ آهار مصرفی این شرکت با رشدی در حدود ۳۸۰ درصد مواجه شده است) ولی به همت همه همکاران تاکنون هیچ کاهش تولیدی در واحد بافندگی وجود نداشته و واحد رنگرزی و تکمیل نیز با تمام ظرفیت در حال فعالیت است ولی به لحاظ بالارفتن شدید قیمت مواد اصلی و کمکی فرآیند چاپ و عدم صرفه اقتصادی تولید با این شرایط، تولید این قسمت کاهش داده شده است. بدیهی است افزایش نرخ های فروش ناشی از افزایش قیمت‌های تمام شده در کلیه محصولات این شرکت نیز حادث شده است و به همین دلیل بسیاری از محصولات که امکان انعقاد قرارداد فروش آنها با قیمت‌های جدید وجود نداشت حذف و محصولات دیگری جایگزین شدند.

آنچه که به نظر می‌رسد به عهده ساختارهای نظارتی و تصمیم‌گیری و تشکل‌های صنفی می‌باشد، انتقال واقع بینانه مطالب، مشکلات و پیامدهای آنان است تا با اتخاذ تصمیم‌های حمایتی مناسب از ضربات پی در پی بر بدنه تولید جلوگیری گردد. لازم به ذکر است که متأسفانه معنی حمایت با اعانه اشتباه می‌شود و هرگاه سخن از حمایت به زبان می‌آید این تصور ایجاد می‌شود که باید به صنعت اعانه داد، بخشید، صرف‌نظر کرد و یا از این دست عبارات. حال آنکه معنی حمایت بسیار ساده تر و شفاف‌تر از آن است که بدین گونه تعبیر شود. بالابردن تعرفه‌های واردات محصولاتی که در کشور تولید می‌شوند، پایین آوردن تعرفه واردات مواد اولیه که در داخل تولید نمی‌شوند،

وجود ندارد فلذا واردکنندگان به سمت و سوی واردات مواد اولیه، که تولیدکنندگان مجبور به خرید آن بوده و راه گریزی ندارند، سوق پیدا می‌کنند که بسیار خوب و پسندیده است ولی این موضوع در مورد قاچاق کالا کاملاً برعکس بوده و حجم واردات قاچاق را به دلیل فرار قاچاقچیان از پرداخت‌های گمرکی و وجود فاصله قیمتی زیاد بین کالای وارداتی رسمی و قاچاق، افزایش خواهد داد.

لازم به ذکر است که هم‌زمانی افزایش شدید نرخ ارز و نوسانات مداوم آن با اعمال تحریم‌های بانکی، عرصه را بر تولیدکنندگان تنگ‌تر نموده است که ساده‌ترین مصداق آن اخذ کارمزدهای بیشتری است که در نقل و انتقال ارز برای واردات از سوی بانک‌های عامل و واسطه (در حالت انتقال ارزی بانکی) و صرافان (در روش انتقال ارزی غیر بانکی) لحاظ می‌گردد. این هزینه‌های اضافی موجب می‌گردد که واردکردن مواد اولیه گرانتر و در مقایسه، قاچاق محصول ارزتر باشد. اثر دیگر افزایش نرخ ارز و در نتیجه افزایش بهای تمام شده، کاهش کیفیت محصولات است و تولید محصولات مشابه با قیمت ارزتر به جهت اخذ و یا حفظ سهمی از بازار، جلوه بیشتری پیدا می‌کند تا به اصطلاح تولید کنندگان کشور چین "برای هر جیبی محصولی وجود داشته باشد" و این موضوع در رابطه با بسیاری از منسوجات مسبوق به سابقه است (به عنوان مثال ملحفه‌هایی که میزان پنبه یا ویسکوز موجود در آنها به صفر نزدیک می‌شوند در حال تولید با حجم‌های بسیار بالا می‌باشند و صد البته که نظارتی بر عرضه این محصولات نیست).

از سوی دیگر افزایش نرخ ارز، بهانه‌ای شد برای افزایش فراوان نرخ محصولاتی که مستقل از واردات و در نتیجه ارزبری بودند. به‌عنوان مثال محصولات شیمیایی تولید پتروشیمی‌های کشور مانند کاستیک سودا که تماماً تولید داخل بودند با رشدی چندصد درصدی همراه شدند و حتی قیمت نمک صنعتی که از منابع خدادادی تأمین می‌شود نیز حدود ۴۰ درصد رشد داشته است!! و صد البته باز هم نظارتی بر آن متصور نیست.

شرکت نساجی حجاب شهرکرد از دو واحد مجزای بافندگی و رنگرزی، چاپ و تکمیل تشکیل شده است که در واحد بافندگی، مواد اولیه مصرفی انواع نخ و مواد آهاری بوده و در قسمت رنگرزی، چاپ و تکمیل رنگ و مواد شیمیایی نساجی مورد مصرف قرار می‌گیرد. تأمین عمده مواد اولیه از داخل کشور

حجم عظیمی از سرمایه در گردش شده و عملاً تولید کننده را فلج می‌نماید و هنگامی که منبع تأمین مواد اولیه و ملزومات داخلی باشد و از فروشندگان این موارد درخواست شود، به علت افزایش شدید نرخ ارز و عدم امکان تأمین مجدد همان مقدار موجودی با همان مبلغ سرمایه گذاری از یک‌سو و از سوی دیگر به علت عدم ثبات نرخ ارز و نوسان مداوم آن و در نتیجه نوسان مداوم ارزش این دارایی، یا فروش انجام نمی‌شود و یا با قیمت‌های کوتاه مدت و بسیار نقد! ممکن می‌گردد. (بعنوان مثالی بارز، بیاد ندارم که بهای رنگ و مواد شیمیایی را در طول بیست و چندسال خدمت در این صنعت به صورت نقد پرداخت کرده باشم ولی در این مدت این کار را انجام می‌دهم!) در هر دو روش تأمین، امر تأمین مواد اولیه و ملزومات برای تولید کننده با سختی و صعوبت بیشتر همراه بوده و اولین اثر آن توقف تولید و یا کاهش آن می‌باشد.

پرواضح است که بالارفتن قیمت مواد اولیه و ملزومات (ناشی از افزایش نرخ ارز) مستقیماً به افزایش بهای تمام شده منجر می‌گردد که این افزایش در ابتدای دوره افزایش نرخ ارز، به افزایش قیمت فروش منتهی نمی‌گردد چرا که مقادیر قابل توجه و انکایی از موجودی وارداتی محصولات رقیب، وارد شده با نرخ ارز قبلی، هنوز در انبارها موجود است و تجار با خرید محصولات جدید با قیمت‌های بالاتر، در ابتدای امر موافقت نموده و تولیدکننده راهی به جز فروش زیر قیمت تمام شده و یا انبارکردن محصول تا زمان پذیرش نرخ جدید ندارد و این موضوع موجب کاهش سرمایه در گردش و یا زیان تولید کننده می‌شود.

شایان توجه است که قسمت اعظم اقشار کشور دارای درآمدی تقریباً ثابت می‌باشند و افزایش نرخ مایحتاج ایشان موجب می‌گردد که نیازمندی‌های خانوار دسته‌بندی شده و قسمت عمده درآمد به هزینه‌های مسکن و خوراک تخصیص داده شود و سهم سایر موارد (مانند منسوجات) به‌طور مداوم کاسته شود فلذا افزایش قیمت‌های محصولات، در میان مدت، منجر به کاهش فزاینده فروش نیز می‌گردد و رفتار مصرف کنندگان نهایی و در نتیجه بازرگانان خریدار اصلی محصولات را به شدت تحت الشعاع قرار می‌دهد.

از سوی دیگر افزایش نرخ ارز موجب می‌گردد که واردات عادی و رسمی بسیاری از محصولات با مشکل و یا جذابیت کمتر مواجه گردد چرا که توان خرید محصولات خارجی با نرخ ارز بالا برای بسیاری



کنترل مرزها و جلوگیری واقعی از ورود قاچاق محصول به کشور، تعیین خط اعتباری برای واردات مواد اولیه با نرخ ثابت و عدم طرح مواردی مانند اخذ مابه التفاوت نرخ ارز برای مواد اولیه و ماشین آلات خط تولید، تفکیک محصولات وارداتی مرغوب و غیر مرغوب، اعمال واقعی نظارت بر استانداردهای کالای وارداتی و قس علیهذا از نمونه های بارز حمایت هستند. بد نیست از این فرصت استفاده نموده و مطالبی هم در رابطه با پروژه تولید چادر مشکی در شرکت نساجی حجاب شهرکرد، که اثر این نوسانات و نیز تحریم‌های تحمیلی بر آن بسیار اثرگذار است، ارائه نمایم: این پروژه پس از طی مراحل طولانی و اخذ موافقت‌های متعدد از مراجع ذیربط، و حتی غیرمرتبط، در سال ۱۳۸۶ اعلام گردید و در دو سفر استانی ریاست جمهوری به استان چهارمحال و بختیاری به تصویب و تاکید ایشان رسید و همچنین به تأیید وزرای وقت صنعت و معدن، اموراتصادی و بازرگانی نیز رسیده و مورد تاکید و استقبال بسیاری از مبادی مملکتی واقع شد و جهت انجام امور گشایش اعتبار به بانک ملت واگذار شد که پس از طی تمامی مراحل قانونی در این بانک و گذشت حدود بیست ماه در این بانک بلااقدام و متوقف گردید. پس از ایزنی با وزیر محترم صنعت و معدن وقت، این طرح به بانک صنعت و معدن واگذار و در اسفند ماه سال ۱۳۸۷ به تصویب هیئت مدیره این بانک رسید و اقدامات اجرایی از اردیبهشت سال ۱۳۸۸ در این بانک آغاز گردید و قرارداد مربوطه در فروردین ۱۳۸۹ با این بانک به امضاء رسید و عملیات عمرانی با آورده اولیه بیست میلیارد ریال، که از سوی سهامدار شرکت تامین شده بود، آغاز شد و با همت تیم اجرایی پروژه بسیار پیش تر از برنامه تعیین شده بود که این مطلب به تایید کارشناسان بانک و ناظر پروژه نیز رسیده بود. با اعلام شماره های LC از سوی بانک، در پی دریافت قسمت دوم آورده سهامدار بودیم که مطلع شدیم به علت متوقف شدن فعالیت صندوق ذخیره ارزی و تغییر آن به صندوق توسعه ملی، LC ها به طرف خارجی اعلام نشده و کلیه امور متوقف گردیده است. پس از پیگیری‌های فراوان بانک عامل اعلام نمود که تا راه اندازی صندوق توسعه ملی، تنها راه گشایش اعتبار استفاده از تسهیلاتی است که بهره آن ۷ درصد می‌باشد که با توجه به بهره ۲/۹ درصدی تعیین شده برای صندوق ذخیره ارزی، بسیار بالا به نظر می‌رسید و بناچار در انتظار شروع فعالیت صندوق ذخیره ارزی

ماندیم که این اتفاق در اواسط سال ۱۳۹۰ رخداد و با صرف زمانی طولانی روشهای اجرایی آن به بانک‌ها ابلاغ شد و دوباره فرآیندهای طولانی اخذ مجوزها و اصلاحات لازمه و تمدید اعتبارات و امثالهم به جریان افتاد و بهره بانکی تعیین شده همان ۷ درصد اعلام شد که با نرخ روز ارز در هنگام تسویه قابل پرداخت می‌باشد!!!!!! در این فاصله با طولانی شدن زمان، بسیاری از تامین کنندگان ماشین‌آلات منصرف شده و بناچار مذاکرات فرساینده‌ای با سایر تأمین‌کنندگان به عمل آمد و توافقی‌های جدیدی حاصل شد و مدارک لازمه تقدیم بانک شد. با شروع تحریم‌های تحمیلی بر مشکلات این پروژه افزوده شد و مجدداً برخی تأمین کنندگان از این پروژه کناره‌گیری نمودند و باز هم فرآیند گفتگو و بازم توافقات جدید. در نهایت و پس از رفع تمامی موانع، از ابتدای تابستان سال جاری این پروژه منتظر گشایش اعتبار و اعلام LC به طرف های خارجی است.

تاکنون بیش از ۳۲ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری به عمل آمده است که شامل عملیات ساختمانی و تامین برخی ملزومات و هزینه‌های انعقاد قرارداد و پرداخت‌های سنگین قانونی می‌باشد و علاوه بر این تعهدات زیادی نیز از سوی شرکت ایجاد شده است که همه این موارد تاکنون بلااستفاده و راکد باقی مانده است. در مورد قسمت اروپایی تامین ماشین آلات، هنوز نتایج بررسی بانک مرکزی به بانک صنعت و معدن ابلاغ نشده و در مورد قسمت آسیایی نیز علیرغم دریافت درافت از بانک صنعت و معدن، به دلیل مشکلات بین بانکی بین این بانک و بانک کشاورزی (به‌عنوان بانک واسط خارج از تحریم) هنوز به طرف خارجی اعلام نشده است. همه این موارد درحالیست که هزینه‌های ریالی متصور برای طرح به لحاظ افزایش روزافزون قیمت‌ها در حال رشد می‌باشد.

شایان ذکر است تاکنون هیچ‌گاه پارچه چادر مشکی مرغوب و منطبق بر استانداردهای کشور کره جنوبی (به‌عنوان بزرگترین تولید کننده این محصول) در کشور تولید نشده است و آنچه که تاکنون به‌عنوان تولید این محصول طرح شده، یا در مورد رسیدن به رنگ مشکی مورد نظر روی پارچه‌های غیراستاندارد بوده و یا تولید محصولاتی مشابه را به عرصه رسانده است که پیشگام این تولیدات مشابه، شرکت نساجی حجاب شهرکرد در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ بوده است که به دلیل عدم قابلیت رقابت قیمتی با محصولات وارداتی عملاً متوقف گردید.

